



- <https://irna.ir/xjJTNR>
- ۱۵ تیر ۱۴۰۱ - ۸:۴۹
- کد خبر 84812405
- پژوهش / پژوهش بین‌الملل

۱۵ تیر ۱۴۰۱، ۸:۴۹

کد خبر: 84812405

پژوهش / پژوهش بین‌الملل

T T

۵ نفر ★★★★★

مصطفی افضل زاده 

برچسب‌ها

ایالات متحده آمریکا آمریکای لاتین حقوق بشر آمریکایی

«دکترین مونرو» مجوز جنایات آمریکا در آمریکای لاتین

سمیرا پورآقایی

تهران- ایرنا- اصول دوگانه سیاست خارجه آمریکا در پیام رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۸۲۳ به کنگره اعلام شد. این دو اصل بر تشکیل مستعمرات جدید و دخالت سیاسی دولت های اروپایی در قاره آمریکا تاکید دارد. آمریکا تاکنون از این دکترین در توجیه اقدامات خشونت‌بار خود در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین استفاده کرده است.

حملات نظامی آمریکا در آمریکای لاتین

تاریخ توسعه آمریکا نیز داستان مقاومت خونین و اشک‌بار مقاومت آمریکای لاتین است.

ایالات‌متحده آمریکا پس از شکل‌گیری که با بیرون کردن سرخپوست‌های آمریکای شمالی از قلمروشان همراه بود یک سیاست گسترش در مقابل **مکزیک**، همسایه جنوبی خود اتخاذ کرد. آمریکا در جنگ نیمی از قلمرو مکزیک از جمله تمامی یا بخش‌هایی از ایالات امروزی کالیفرنیا، نوادا، یوتا، نیومکزیکو، تکزاس، آریزونا، کلرادو و وایومینگ را تصرف کرد.

مکزیک برخی از منابع چشمگیر معدنی خود را از دست داد که این مساله بر توسعه اقتصادی این کشور نیز تاثیر بسزایی گذاشت. در اواخر قرن نوزدهم آمریکا یک حمله دیگر انجام داده و در **جنگ اسپانیا - آمریکا**، پورتوریکو را در دریای کارائیب تصرف نمود و کوبا را نیز اشغال کرد.

در اوایل قرن بیستم تجاوزهای مکرر آمریکا در آمریکای لاتین رفته رفته کشورهای این منطقه را تحت نفوذ آمریکا قرار داد. در ۱۹۰۳ ایالات‌متحده با اجبار و زور، بندر **کوبا** در دریای کارائیب یعنی گوانتانامو را اجاره نمود و آن را به نخستین پایگاه نظامی خود در خارج از خاک این کشور تبدیل کرد. افزون بر اینکه تا امروز، واشنگتن از پس دادن این بندر به کوبا خودداری کرده است.

در ۱۹۱۵، آمریکا به بهانه محافظت از «جوامع دور از وطن» در برابر ناآرامی‌های محلی، نیروهایش را برای اشغال «**هائیتی**» اعزام کرده و تا سال ۱۹۳۴ از آن خارج نشد.

جمهوری دومینیکن نیز از ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۴ تحت اشغال آمریکا بود. آمریکا این کار را برای جمع‌آوری بدهی‌های دولت‌های این کشور انجام داد.

واشنگتن در سال ۱۹۶۵ نیز بار دیگر و در پی سرنگونی دولت تحت حمایت آمریکا در جمهوری دومینیکن با جنگ داخلی، به این جزیره حمله کرد و ۴۰ هزار تن از نیروهایش را به بهانه «احیای نظم» به آنجا اعزام کرد.

همچنین، در ۱۹۸۹ نیروهای ویژه‌اش را تحت پوشش «حفاظت از جان و مال شهروندان آمریکا» برای حمله به **پاناما** اعزام کرد و با سرنگونی حکومت نظامی در آنجا، تلاش کرد کنترل دائمی کانال پاناما را به دست گیرد.

دکترین مونرو از کجا آغاز شد؟

اصول دوگانه سیاست خارجه آمریکا در پیام مونرو، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۸۲۳ به کنگره اعلام شد. این دو اصل بر تشکیل مستعمرات جدید و دخالت سیاسی دولت‌های اروپایی در قاره آمریکا تاکید دارد.

اعلام دکترین به سبب دو مسأله بود، یکی آن‌که دولت روسیه کشتی‌های غیر روسی را از رفت وآمد در کرانه‌های شمال غربی آمریکای شمالی باز داشته بود (در آن زمان روسیه آلاسکا را در دست داشت) و دیگری ترس از اتحاد دولت‌های اروپایی(پروس، اتریش و روسیه) که ممکن بود به کمک اسپانیا بشتابند و کشورهای تازه آزاد شده آمریکای لاتین را بار دیگر زیر فرمان خود درآورند.

زمانی که اروپاییان در رقابت‌های استعماری خود در حال جنگ‌های خونین بودند و انقلاب‌های درونی آن‌ها برای برقراری حکومت‌های مدرن‌تر و دموکرات‌تر به اوج خود می‌رسید، ایالات‌متحده آمریکا فضا را به خوبی درک کرد و خود را از مخاصمات اروپایی دور نگه داشت و همچنین مناطق نفوذ خود را در قاره آمریکا (آمریکای لاتین) مشخص نمود که این امر باعث شد انرژی خود را متمرکزتر برای افزایش قدرت و ثروت در اختیار داشته و کم‌ترین صدمه را دریافت کند.

دوگانه سیاست خارجه
در پیام مونرو، رئیس
آمریکا در سال ۱۸۲۳ به
لام شد. این دو اصل بر
مستعمرات جدید و
سیاسی دولت‌های
در قاره آمریکا تاکید
ریکا تاکنون در توجیه

خود در دریای کارائیب
، در مسأله کوبا، از این
یاد کرده است

آمریکا تاکنون در توجیه کارهای خود در دریای کارائیب (از جمله در مسأله کوبا)، از این دکترین یاد کرده است.

غارت و تحریم‌های بی‌رحمانه آمریکا

واشنگتن تعرفه‌ها و تحریم‌های تبعیض‌آمیز را بر کشورهای آمریکای لاتین اعمال کرده و می‌کند و توسعه اقتصادی آنها را بیشتر محدود می‌نماید.

ونزوئلا از سال ۲۰۱۵ تاکنون بیش از ۴۳۰ تحریم از سوی آمریکا و متحدانش دریافت کرده و اقتصاد این کشور بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار آسیب دیده است.

تا سال ۱۹۳۰، کنترل تقریباً ۱.۴ میلیون هکتار از زمین‌های **کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس و پاناما** و همچنین بیش از ۲۴۰۰ کیلومتر از راه‌آهن و گمرک، مخابرات و دیگر خدمات اساسی این کشورها در اختیار شرکت آمریکایی «یونایتد فروت» قرار داشت.

در سال ۱۹۴۷، شرکت‌های آمریکایی به تنهایی ۳۸ درصد از هندوراس، ۲۲.۷ درصد از گواتمالا، ۱۶.۵ درصد از کاستاریکا و ۱۲.۳ درصد از پاناما را تشکیل می‌دادند. این کشورها که توسط ایالات‌متحده استثمار و غارت شده‌اند، به اقتصاددانان عقب‌مانده آمریکا به عنوان تامین‌کننده مواد خام و زباله برای کالاهای اساسی آمریکا تبدیل شده‌اند.

علاوه بر این، واشنگتن تعرفه‌ها و تحریم‌های تبعیض‌آمیز را بر کشورهای آمریکای لاتین اعمال کرده و می‌کند و توسعه اقتصادی آنها را بیشتر محدود می‌نماید. در سال ۱۹۶۲، آمریکا تحریم‌های تجاری را علیه کوبا اعمال کرد که منجر به محاصره «جزیره» گشت و تا اواسط سال ۲۰۲۱، خسارت اقتصادی حدود ۱۵۰ هزار میلیون دلار به کوبا وارد شد. «**برونو رودریگز، وزیر امور خارجه کوبا** گفت: «این محاصره اقتصاد ما را خفه کرده، باعث کمبود کالا شده و توسعه کشورمان را با مشکل مواجه نموده است.

ونزوئلا همچنین از سال ۲۰۱۵ تاکنون بیش از ۴۳۰ تحریم از سوی آمریکا و متحدانش دریافت کرده و اقتصاد این کشور بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار آسیب دیده است. تحریم‌ها درآمد ونزوئلا را تا ۹۹ درصد کاهش داده و تأثیرات منفی بر همه حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی گذاشته است.



آمریکای لاتین در سایه دکترین مونرو

با ورود به قرن بیست و یکم، در حالی که کشورهای آمریکای لاتین از بحران‌های مکرر سیاسی و اقتصادی بهبود می‌یابند، روابط آنها با واشنگتن به تدریج بحث‌برانگیز می‌شود.

۳۳ کشور این منطقه در سال ۲۰۱۱ «جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب» را تأسیس کردند؛ نخستین سازمان منطقه‌ای در قاره آمریکا که قید عضویت ایالات‌متحده و کانادا را زد.

آمریکا در مواجهه با افول مداوم نفوذ خود، وادار به بازنگری در سیاست‌های خود در قبال آمریکای لاتین شد.

«جان کری» وزیر امور خارجه وقت آمریکا در سال ۲۰۱۳ در مقر «سازمان کشورهای آمریکایی» گفت که دوره دکترین مونرو به سر آمده و از طلوع دوره‌ای جدید خبر داد که «منافع و ارزش‌های مشترک» آمریکا و دیگر کشورهای این منطقه مشخصه برجسته آن است.

ردپای واشنگتن در همه **کودتای نظامی ۲۰۰۹ در هندوراس، برکناری «فرناندو لوگو» از پاراگوئه در ۲۰۱۲ و «دیپلما روسف» از برزیل در ۲۰۱۶، استعفای اجباری «اوو مورالس» در بولیوی در ۲۰۱۹ و بحران سیاسی جاری در ونزوئلا** مشاهده می‌شود.

«برنی سندرز» نماینده دموکرات مجلس سنای آمریکا در ماه فوریه اذعان کرد که ایالات‌متحده دولت‌های آمریکای لاتین و حوزه کارائیب را تضعیف یا سرنگون کرده است.

به گفته سندرز در ۲۰۰ سال گذشته انگلیس تحت دکترین مونرو فعالیت کرده و این پیش‌فرض را اتخاذ کرده است که آمریکا، به عنوان قدرت برتر در نیم‌کره غربی این حق را دارد تا در امور هر کشوری که ممکن است منافع ادعایی ما را تهدید نماید، مداخله کند.

اشنگتن در همه کودتای
۲۰۰۹ در هندوراس،
«فرناندو لوگو» از
در ۲۰۱۲ و «دیپلما
از برزیل در ۲۰۱۶،
، اجباری «اوو مورالس»
ی در ۲۰۱۹ و بحران
جاری در ونزوئلا
، می‌شود

این سیاستمدار انگلیسی تاکید کرد: تحت این دکترین، ما دست کم ده ها دولت را تضعیف و سرنگون کرده ایم.



در سال ۲۰۲۰ آمریکا «مائوریچیو کلاور-کارون» را که رویکردی تندخو و جنگ طلب دارد، به ریاست «بانک توسعه بین آمریکایی» برگزیده و سنت دیرینه انتصاب رئیس این پست از میان افرادی با ملیت آمریکای لاتین را زیر پا گذاشت. واشنگتن این کار را برای اعمال فشار دیپلماتیک بیشتر بر کشورهایی مانند ونزوئلا انجام داد.

با آغاز همه گیری کرونا، آمریکا - که در آن زمان قانون جهانی همه گیری بود - به سرعت تعداد نامشخص و ثبت نشده ای از مهاجران آمریکای لاتین را بدون رعایت تدابیر حفاظتی دیپورت کرده و خطر شیوع بیماری در کشورهایی با نظام بهداشت ضعیف تر را افزایش داد. مهمتر اینکه ایالات متحده در واکنش به درخواست کمک منطقی کشورهای آمریکای لاتین برای مدیریت همه گیری، تصمیم به نادیده گرفتن آن ها و حتی قطع همکاری با کشورهایی خارج از این منطقه گرفت و با ادعای دروغین «تله بدهی» یا «استعمارنو»، یک موضوع مربوط به سلامت را سیاسی کرده و آن ها را وادار کرد تا موضعی اتخاذ کنند که علیه توسعه شان بود.

«میگل دیاز-کانل» رئیس جمهوری کوبا در این زمینه تاکید کرده است: آمریکا نمی تواند درک کند که آمریکای لاتین و حوزه کارائیب تغییر کرده اند و دکترین مونرو نمی تواند دوباره اعمال شود.

منابع:

<https://b2n.ir/m15582>

<https://b2n.ir/f97138>

<https://b2n.ir/q04934>

<https://b2n.ir/a79068>